

Determinant Factors Affecting Poverty and Income Inequality in Rural Areas of Iran: Application of Bayesian Approaches

Hossein Asgharpur*, Saman Hatam Rad**, Mansour Heydari***

Original Article	Receive Date: 2024 May 14	Accept Date: 2024 Jun 14	Page: 43-71
------------------	---------------------------	--------------------------	-------------

Abstract

The main objective of this paper is to determine the important factors affecting poverty and income inequality in rural areas of Iran. For this purpose, it has been attempted to evaluate the significant factors influencing poverty and income inequality in rural areas of Iran using Bayesian econometric methods over the period 1363-1400. In this context, the Gini coefficient and the ratio of the expenses of the top two deciles (the rich) to the bottom two deciles (the poor) have been utilized as indicators of income inequality, while the share of food expenses in total household expenses has been used as a measure of poverty.

The empirical results of income inequality models confirm the Kuznets hypothesis in rural areas of Iran. According to this hypothesis, the impact of per capita income on both income distribution indicators follows an inverted U-shaped curve. Additionally, the results show that variables such as inflation rate, exchange rate and average age of the rural population had a negative and significant influence on income distribution in rural areas. On the other hand, variables like degree of urbanization, degree of economic openness, and growth rate of bank facilities allocated to the agricultural sector do not significantly affect income distribution.

The empirical results of the poverty model (Engel coefficient) indicate that among the variables considered in the model, exchange rate, inflation and aging of the population have positive and significant effect on rural poverty. Conversely, variables such as average age, economic openness, and urbanization have a negative and significant impact on rural poverty. The growth rate of bank facilities allocated to the agricultural sector and per capita income of the agricultural sector do not significantly affect poverty levels.

Keywords: Poverty, Income Distribution, Engel coefficient, Rural Economy, Bayesian Approach

JEL Classification: C11, D63, I30, O18.

** Professor of Economics, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (Corresponding Author) Asgharpur@tabrizu.ac.ir

** Ph.D. of Economics, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran samanhatamerad@yahoo.com

*** Ph.D. Student of Economics, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran mansour_heydari@yahoo.com

بررسی عوامل مؤثر بر فقر و نابرابری درآمد در مناطق روستایی ایران:

کاربرد رویکردهای بیزین

حسین اصغریپور^{*}، سامان حاتم راد^{**}، منصور حیدری^{***}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵	شماره صفحه: ۴۳-۷۱
-------------------	--------------------------	-------------------------	-------------------

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی عوامل مهم تعیین کننده فقر و نابرابری درآمد در مناطق روستایی ایران است. برای این منظور سعی شده است با استفاده از اطلاعات سری زمانی سالانه ۱۳۶۳-۱۴۰۰ و با بهره گیری از روش های اقتصادسنجی بیزین عوامل مهم مؤثر بر فقر و نابرابری درآمد در مناطق روستایی ایران مورد کنکاش علمی قرار گیرد. در تحلیل داده ها، از ضریب جینی و نسبت هزینه های دو دهک بالا (ثروتمندان) به دو دهک پایین (فقیران) به عنوان شاخص های نابرابری درآمد و از ضریب انگل به عنوان معیاری برای فقر استفاده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، مدل های نابرابری درآمد بیانگر تأیید فرضیه کوزنتس در مناطق روستایی ایران است، به طوری که بر طبق فرضیه کوزنتس، تأثیر درآمد سرانه بر هر دو شاخص توزیع درآمد به شکل U معکوس است. همچنین نتایج نشان می دهد متغیرهای نرخ تورم، نرخ ارز و متوسط سن جمعیت روستایی تأثیر منفی و معنی دار بر توزیع درآمد مناطق روستایی داشته است. از طرفی متغیرهای درجه شهرنشینی، درجه بازبودن اقتصاد، نرخ رشد مانده تسهیلات بانکی اعطایی به بخش کشاورزی نیز تأثیر معنی داری بر توزیع درآمد نداشته است. همچنین نتایج تخمین مدل فقر (ضریب انگل) دلالت بر این دارد که از بین متغیرهای لحاظ شده در مدل، متغیرهای نرخ ارز، تورم و سالخوردگی جمعیت تأثیر مثبت و معنی دار و متغیرهای متوسط سن، درجه بازبودن اقتصاد و نرخ شهرنشینی تأثیر منفی و معنی دار بر فقر روستایی داشته است. نرخ رشد مانده تسهیلات بانکی اعطایی به بخش کشاورزی و درآمد سرانه بخش کشاورزی نیز جزو متغیرهای مهم اثرگذار بر فقر شناخته نشده است.

واژه های کلیدی: اقتصاد روستا، انگل توزیع درآمد، ضریب، رویکرد بیزین، فقر

طبقه بندی JEL: C11, D63, I30, O18

Asgharpur@tabri.ac.ir

samanhatamerad@yahoo.com

mansour_heydari@yahoo.com

* استاد اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

** دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

*** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

فصلنامه مجلس و اقتصاد، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۲

DOI: 10.22034/MEC.2024.16734.1028

۱- مقدمه

توزیع ناعادلانه درآمد و فقر همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصادی مورد توجه در کشورهای مختلف جهان بوده است و این بحث نه تنها از لحاظ اقتصادی بلکه در بعد سیاسی و اجتماعی نیز حائز اهمیت است به طوری که سیاستمداران به خوبی به خطرات و پیامدهای این مقوله واقف‌اند. به طوری که در دهه‌های اخیر، فقر و نابرابری درآمدی به اصلی‌ترین دغدغه در برنامه توسعه کشورهای مختلف تبدیل شده است (Dollar and Kraay, 2002: 195).

امروزه زدودن فقر و ایجاد برابری در درآمد یکی از مهم‌ترین پیش شرط‌های رفاه اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی است. فقر و توزیع نابرابر درآمد از نظر عدالت اجتماعی نامطلوب و از جمله مسائل و مشکلاتی است که در کشورهای در حال توسعه و صادرکننده نفت از جمله ایران مورد توجه است؛ این مسئله باعث شکاف بیشتر در طبقات جامعه، ایجاد فقر، کاهش بهره‌وری نیروی کار، رشد جرائم از جمله سرقت و حتی مشکلات سیاسی و اجتماعی و اخلاقی فراوانی برای جوامع بشری شده است؛ بنابراین، کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمد جزو یکی از اهداف مهم کلان اقتصادی تعریف شده برای دولتمردان و مسئولین کشورها محسوب شده و به همین منظور با اتخاذ سیاست‌های مختلف در پی عادلانه نمودن توزیع درآمد در اقتصاد کشور هستند. در این ارتباط، با توجه به روند رو به گسترش مهاجرت از روستا به شهر و بروز مسائل و مشکلات ناشی از گسترش شهرنشینی (مانند حاشیه‌نشینی، گسترش جرم، ترافیک سنگین، معضلات مسکن و ...) هزینه‌های زیادی بر دولت و جامعه تحمیل می‌شود. از سوی دیگر، بخش روستایی کشور به دلیل تأمین محصولات و امنیت غذایی جامعه، تأمین مواد اولیه بخش صنعت، ایجاد اشتغال و درآمد پایدار، کمک به محیط زیست، امکان جذب توریست، ایجاد و گسترش صنایع دستی و توسعه پایدار داشته و از این طریق برای بخشی از خانوارهای کشور، نقش مهم و غیرقابل انکار در اقتصاد ملی دارد؛ بنابراین، توجه به توسعه روستاها و حمایت از اقتصاد روستایی به عنوان یک جزء حیاتی از اقتصاد کلان می‌تواند به توازن اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشور کمک کند. مطابق گزارش صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی، ۷۵ درصد افراد فقیر در روستاها ساکن هستند، از این رو، عمده برنامه‌های جهانی کاهش فقر و اصلاح توزیع درآمد کشورها بر فقر و بهبود توزیع درآمد مناطق روستایی متمرکز شده است (IFAD, 2012).

در ایران هرچند در طول ۴ دهه اخیر گرایش برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی طراحی و اجرا شده کشور تا حد زیادی معطوف به رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی بوده است و در این زمینه برخی اقدامات حمایتی (تأمین امکانات آموزشی، بهداشتی، آب آشامیدنی سالم، برق و ارتباطات مخابراتی و حمل و نقل، خدمات سازندگی و ترویجی برای روستاها) در جهت توزیع درآمد عادلانه و کاهش فقر در مناطق روستایی طراحی و اجرا شده است، لیکن، علیرغم تلاش‌های انجام شده، به دلیل شرایط خاص اقتصاد ایران از جمله وابستگی بودجه دولت به اقتصاد تک محصولی و اثرات تحریم‌های اعمال شده بر اقتصاد کشور، شواهد تجربی و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که همچنان خانوارهای مناطق روستایی ایران به شدت تحت فشارهای اقتصادی بوده و این فشارهای اقتصادی طی ۵ سال اخیر به شدت زیاده‌دار شده است. به نحوی که امروزه فقر و نابرابری درآمد در ایران و مناطق روستایی به یکی از چالش‌های مهم

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است (صادقی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۲). در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اقتصاد روستا عمدتاً متکی به فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی بوده که در مقایسه با درآمد فعالیت‌های بخش خدمات و صنعت، درآمد سرانه قابل توجهی برای خانوارهای روستایی در بر ندارد. نتایج مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که فقر مطلق در میان خانوارهای روستایی بسیار بیشتر از خانوارهای شهری رواج دارد و یکی از دلایل آن نیز تأثیرپذیری درآمد بسیاری از روستاییان (کشاورزان) از عوامل مختلف طبیعی و غیرطبیعی است (خالدی و زوار، ۱۳۸۴: ۵۷).

بر اساس مطالب مطرح شده، توجه به مسائل اقتصادی- اجتماعی مناطق روستایی کشور یک ضرورت جدی بوده و فقر و توزیع درآمد به عنوان دو مسأله مهم اقتصادی- اجتماعی مناطق روستایی در جهت توسعه پایدار و عدالت اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است و اهتمام سیاست‌گذاران و مسئولان اقتصادی در حل این نوع مسائل و ارتقای وضعیت اقتصادی روستاها خاص را می‌طلبد. جهت دستیابی به این هدف، شناخت عوامل مؤثر بر فقر و توزیع درآمد مناطق روستایی جهت برنامه‌ریزی بهتر و سیاست‌گذاری مناسب بسیار حائز اهمیت است؛ اما مسأله مهم چگونگی شناخت تجربی متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر فقر و نابرابری درآمد است. هرچند مطالعات تجربی متعددی در این زمینه انجام شده، اما به دلیل اینکه نتایج پژوهش‌های تجربی عموماً تحت تأثیر دوره زمانی مورد مطالعه، الگو و یا مدل پژوهش و نیز روش‌های اقتصادسنجی مورد استفاده است، نتایج این مطالعات از نظر علامت اثرگذاری و سطح معنی‌داری متغیرهای مؤثر بر فقر و توزیع درآمد لزوماً یکسان نبوده و گاهی در تناقض با یکدیگر قرار دارد؛ بنابراین، شناخت عوامل مهم و تعیین‌کننده فقر و توزیع درآمد و اعتماد و اتکا به یافته‌های تجربی مطالعات انجام شده برای سیاست‌گذاران همچنان به عنوان یک چالش و مسأله مهم مطرح است. لذا، چگونگی شناسایی عوامل مهم و تأثیرگذار بر فقر و توزیع درآمد روستایی مسأله اصلی و اساسی قابل طرح در این پژوهش است. درواقع، سؤال اصلی تحقیق حاضر چگونگی شناخت عوامل مهم مؤثر بر فقر و توزیع درآمد مناطق روستایی است، به طوری که بتوان این عوامل مهم شناسایی شده بر اساس ادبیات مربوطه (مبانی نظری و پیشینه تحقیق) را در قالب یک مدل و رویکرد اقتصادسنجی مناسب لحاظ کرد و با تخمین و بررسی‌های لازم، اثرات آن‌ها را با روش‌های مناسب‌تر مورد شناسایی قرارداد تا بدین ترتیب نتایج و یافته‌های تجربی بتواند با اطمینان زیادی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی- اجتماعی بیشتری مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا، استفاده از رویکردهای اقتصادسنجی بیزین به دلیل داشتن قابلیت‌ها و ویژگی‌هایش می‌تواند مفید واقع شود. از این رو، هدف اصلی این تحقیق بررسی و شناسایی عوامل مهم مؤثر بر فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی با رویکردهای اقتصادسنجی بیزین و با استفاده از داده‌های سری زمانی مناطق روستایی کشور طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۶۳ است. برای این منظور، ادامه مقاله به شرح زیر سازمان‌دهی شده است:

در بخش دوم، ادبیات تحقیق شامل مبانی نظری و پیشینه تحقیق به اختصار مرور شده و بخش سوم به روش- شناسی تحقیق (شامل معرفی الگوی تجربی تحقیق، معرفی متغیرها و منابع آماری و روش تخمین مدل) اختصاص یافته

است. در بخش چهارم نتایج تخمین مدل‌ها ارائه شده و یافته‌های تجربی تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سرانجام در بخش آخر، بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲- ادبیات تحقیق

در این مقاله، ابتدا مبانی نظری تحقیق به اختصار ارائه شده و سپس در ادامه پیشینه مطالعات تجربی انجام گرفته در زمینه عوامل مؤثر بر فقر و توزیع درآمد با تأکید بر مناطق روستایی مورد بررسی قرار گرفته است.

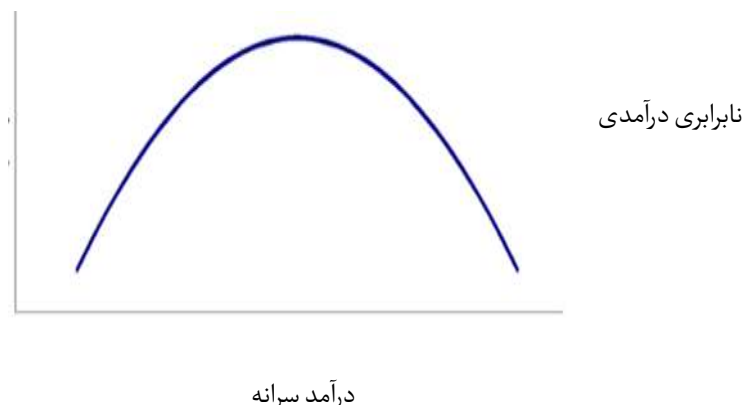
۲-۱- مبانی نظری تحقیق

در ادبیات اقتصادی، تعریف دقیق و واحدی در مورد فقر وجود ندارد و فقر به صورت‌های مختلف مانند فقر ذهنی و عینی، فقر مطلق و نسبی تعریف شده و برخی اختلاف نظرها درباره نحوه اندازه‌گیری فقر وجود دارد. مهم‌ترین دلیل این اختلاف‌ها از چندبعدی بودن فقر نشأت گرفته و با مؤلفه‌ها و شرایط مختلفی مانند بازار کار، شرایط خانوارها و افراد، شرایط کلان اقتصاد و اجتماعی پیرامون زندگی سروکار دارد. همین دلایل سبب شده است روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری فقر ارائه شود و در مطالعات مختلف از شاخص‌های مختلفی برای فقر استفاده شود (نگهداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴). با این وجود، اغلب اقتصاددانان در تعریف مفهومی فقر اتفاق نظر دارند. فقر به شرایطی اطلاق می‌شود که رفاه خانوارها در سطح ناچیزی قرار گرفته و تأمین نیازهای روزمره حداقلی با مشکل مواجه شده و بدین ترتیب خانوارها از حداقل رفاه زندگی محروم می‌شوند. از نظر "تانسند" فقر به وضعیتی گفته می‌شود که فرد از منابع لازم برای برخورداری از رژیم غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و امکانات معمولی زندگی محروم باشد. "آمارتیاسن" هم معتقد است که فقر بایستی بر اساس قابلیت‌ها و توانایی‌های زندگی تعریف شود؛ به طوری که فقدان این قابلیت‌ها نزد فرد به منزله فقیر بودن وی است "سن" معتقد است تمامی تعاریف فقر به نوعی به محرومیت از رفاه اشاره دارند (خداداد کاهشی و حیدری، ۱۳۸۱: ۲۰۹-۲۰۸).

موضوع توزیع درآمد از آغاز شکل‌گیری نظریات اقتصادی همواره مورد توجه و علاقه اقتصاددانان و صاحب‌نظران مسائل اقتصادی بوده است. نابرابری در توزیع درآمد بین اقشار مختلف جامعه به معنای محرومیت نسبی قشرهایی از مردم در مقایسه با دیگر اقشار جامعه می‌باشد. از این منظر، ایجاد تعادل در الگوی توزیع درآمدها صرف نظر از جهت‌گیری کلی نظام‌های مختلف، به صورت یکی از اهداف دولت‌ها در سیاست‌گذاری اقتصادی درآمده است.

فرضیه کوزنتس، یکی از نظریه‌های اولیه و مشهور در ارتباط با تبیین توزیع درآمد می‌باشد که مبنی بر رابطه U معکوس بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی است و در دهه ۱۹۵۰ توسط سایمون کوزنتس اقتصاددان آمریکایی-روسی معرفی شد. این فرضیه به توزیع درآمد در یک جامعه اشاره دارد و تأثیر توسعه اقتصادی جامعه بر توزیع درآمد در طول زمان را بررسی می‌کند. به اعتقاد وی در ابتدا، هنگامی که یک کشور در مرحله اولیه توسعه اقتصادی قرار دارد، نیروهای بازار باعث افزایش نابرابری درآمد شده و توزیع درآمد بدتر می‌شود. این به معنای این است که در ابتدا تفاوت‌های بین

درآمد افراد و خانوارها کم است. سپس با پیشرفت و رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه، به تدریج تفاوت‌های درآمدی بین افراد و خانوارها بیشتر خواهد شد و لذا توزیع درآمد بدتر خواهد شد تا اینکه در سطحی از توسعه و درآمد سرانه، توزیع درآمد به تعادل می‌رسد و تفاوت‌های درآمدی تقریباً از بین می‌رود. چنانچه رشد اقتصادی ادامه پیدا کند، توزیع درآمد بهتر می‌شود. چون در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای کسانی که سرمایه دارند، زیاد می‌شود و در همان حال هجوم نیروی کار ارزان روستایی به شهرها باعث کاهش دستمزد کارگران می‌شود. ولی به محض پشت‌سرگذاشتن توسعه مراحل اولیه، نیروی کار، تخصص لازم را به دست می‌آورد و دستمزدها افزایش خواهد یافت که این خود باعث کاهش نابرابری درآمدی می‌شود (Iradian, 2005). با توجه به توضیحات ارائه شده، کوزنتس معتقد است که رابطه بین نابرابری و درآمد سرانه به شکل "U" وارونه می‌باشد. به طوری که ابتدا با افزایش درآمد سرانه نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد و سپس با افزایش درآمد سرانه، مجدداً این نابرابری اقتصادی کاهش می‌یابد.



نمودار ۱. رابطه بین درآمد سرانه و توزیع درآمد (Nielsen, F. & Alderson, 1997)

نظریه فقر و نابرابری درآمد، عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به هم پیوسته هدایت کننده این مسائل را برجسته می‌کند. پرداختن به آن‌ها نیازمند رویکردی چندوجهی است که شامل توزیع عادلانه منابع، دسترسی به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی، حکمرانی مؤثر و شبکه‌های ایمنی اجتماعی قوی است. با درک و پرداختن به علل ریشه‌ای فقر و نابرابری، جوامع می‌توانند توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی را برای همه شهروندان ارتقا دهند. فقر و نابرابری درآمد، مسائل مهمی هستند که به طور قابل توجهی بر رفاه و توسعه کلی یک کشور تأثیر می‌گذارند. تأثیرات آن‌ها به ویژه در مناطق روستایی، جایی که ساختارهای اقتصادی و دسترسی به خدمات ضروری به طور قابل توجهی با محیط‌های شهری متفاوت است، مشهود است. درک اهمیت چندوجهی پرداختن به این چالش‌ها برای سیاست‌گذاران، دست‌اندرکاران توسعه و جامعه در کل ضروری است. در مقیاس ملی، فقر و نابرابری درآمد مستقیماً بر رشد و ثبات اقتصادی تأثیر می‌گذارد. هنگامی که بخش قابل توجهی از جمعیت فاقد منابع مالی کافی باشند، هزینه‌های مصرف‌کننده کاهش می‌یابد و در نتیجه توسعه اقتصادی را متوقف می‌کند و تا حدی باعث رکود اقتصادی می‌شود. این رکود اقتصادی

اغلب با افزایش تنش اجتماعی و فرسایش اعتماد به نهادها همراه است، زیرا نابرابری درآمد منجر به احساس بی حقوقی می‌شود و می‌تواند موجب ناآرامی اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی شود. علاوه بر این، فقر فراگیر، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های حیاتی مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و توسعه مهارت‌ها را محدود می‌کند و در نهایت بهره‌وری نیروی کار و نوآوری را کاهش می‌دهد. از طرفی فقر و نابرابری درآمدی اثرات خود را بر سلامت عمومی نیز نشان می‌دهد. در حقیقت، فقر ارتباط نزدیکی با سلامتی، افزایش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و کاهش امید به زندگی دارد. پیشرفت تحصیلی نیز به طور مشابه تحت تأثیر قرار می‌گیرد، زیرا کودکان خانواده‌های فقیرتر با موانعی برای دسترسی به آموزش باکیفیت روبرو هستند که باعث تداوم چرخه فقر در نسل‌ها می‌شود. این عوامل مجموعاً سلامت مالی یک کشور را تحت فشار قرار می‌دهند، زیرا دولت‌ها مجبور هستند منابع بیشتری را به شبکه‌های ایمنی اجتماعی و برنامه‌های رفاهی اختصاص دهند، درحالی‌که پایه مالیاتی به دلیل درآمدهای پایین گسترده کاهش می‌یابد. پیامدهای فقر و نابرابری درآمد در مناطق روستایی، حادث‌تر است. اقتصاد روستایی اغلب به شدت به کشاورزی متکی است، بخشی که در معرض نوسانات بازار و تغییرات آب و هوایی است که منجر به نابرابری‌های اقتصادی می‌شود. فقدان تنوع اقتصادی در این مناطق فقر را تشدید می‌کند، زیرا فرصت‌های خارج از کشاورزی محدود است. علاوه بر این، مناطق روستایی اغلب از زیرساخت‌های کافی و دسترسی محدود به مراقبت‌های بهداشتی و آموزش باکیفیت رنج می‌برند که فقر و نابرابری را بیشتر می‌کند. مهاجرت افراد از روستاها به شهرها در جستجوی فرصت‌های بهتر، پدیده‌ای که ناشی از فقر روستایی است که این خود منجر به یک چالش دوگانه می‌شود: خالی شدن مناطق روستایی از جمعیت و تراکم بیش‌ازحد مراکز شهری. این مهاجرت روستایی نه تنها تعادل جمعیتی را بر هم می‌زند، بلکه جمعیتی پیر را با چشم‌انداز اقتصادی کمتری پشت سر می‌گذارد. علاوه بر این، دسترسی محدود شبکه‌های ایمنی اجتماعی و خدمات حمایتی در مناطق روستایی، تاب‌آوری جامعه را تضعیف می‌کند و بهبود این جوامع را از شوک‌های اقتصادی یا زیست‌محیطی دشوار می‌سازد. پرداختن به فقر و نابرابری درآمد مستلزم مداخلات جامع و هدفمند برای پر کردن شکاف شهری و روستایی و تقویت توسعه فراگیر است. بهبود زیرساخت‌ها، افزایش دسترسی به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی متنوع، گام‌های مهمی در جهت کاهش اثرات نامطلوب فقر و نابرابری است. با تمرکز بر این حوزه‌ها، سیاست‌گذاران می‌توانند توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها را ترویج کنند و جامعه‌ای باثبات، سالم و مرفه را برای همه شهروندان تضمین کنند.

بر اساس ادبیات اقتصادی، علاوه بر درآمد سرانه، متغیرهای اقتصادی و اجتماعی زیادی بر نابرابری درآمدی مؤثر است، اما جمع‌آوری اطلاعات، اندازه‌گیری و تخمین چنین مدلی با وجود متغیرهای فراوان دارای مشکلات خاصی خود است؛ بنابراین، در ادامه سعی شده است با ملاحظه مبانی نظری و مطالعات تجربی، اثرات متغیرهای مهم و تأثیرگذار اقتصادی - اجتماعی بر فقر و توزیع درآمد به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

درآمد سرانه (رشد اقتصادی): معمولاً در مطالعات فقر و توزیع درآمد، درآمد سرانه به عنوان معیار رشد اقتصادی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طوری که رشد اقتصادی موجب افزایش درآمد سرانه کشورها شده و می‌تواند بر شکاف

طبقاتی خانوارها اثرگذار باشد. توزیع عادلانه درآمد ناشی از رشد اقتصادی در مناطق روستایی باعث بهبود توزیع درآمد و کاهش شکاف و فقر طبقاتی می شود.

ساختار سنی جمعیت: ساختار سنی جمعیت به نسبت سنی افراد در جامعه اشاره دارد. تأثیر سالخوردگی جمعیت بر فقر و توزیع درآمد به نحوه مدیریت و تدابیر دولتی بستگی دارد و ممکن است در شرایط مختلف متغیر باشد؛ اما درکل، سالخوردگی و یا جوانی جمعیت می تواند از جهات مختلف بر فقر و توزیع درآمد تأثیرگذار باشد. معمولاً افزایش تعداد افراد سالمند منجر به توزیع درآمد بهتر می شود، زیرا این افراد دارای مهارت و سابقه و تجربه کاری بیشتری بوده و از این رو می توانند، به تولید بیشتر و رشد اقتصادی منجر شوند. همچنین افزایش سالخوردگی جمعیت ممکن است به کاهش نرخ فقر در جامعه منجر شود، زیرا بیشتر افراد در معرض فرصت های اقتصادی و شغلی هستند. افراد با سنین بالاتر ممکن است با داشتن تجربه و مهارت بالا، بتوانند درخواست های شغلی جدید را تأمین کنند و از این طریق افزایش سالخوردگی جمعیت ممکن است منجر به بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر شود. همچنین می توان استدلال کرد افزایش تعداد افراد با سنین بالاتر ممکن است نیاز به سیستم های تأمین اجتماعی و پشتیبانی اجتماعی بیشتری داشته باشد و از این رو ممکن است نیاز به سرمایه گذاری بیشتر در حوزه بهداشت و درمان داشته باشند و بدین ترتیب هزینه های دولت و جامعه را در زمینه مراقبت های بهداشتی و حمایت اجتماعی افزایش دهد و از این طریق منجر به بدتر شدن توزیع درآمد و فقر گردد. همچنین، افزایش تعداد افراد سالم تر و ماهر ممکن است باعث رقابت شدیدتر برای فرصت های شغلی شود و احتمالاً به تغییر در نرخ بیکاری و توزیع درآمد منجر شود. علاوه بر آن، افراد سالخورده ممکن است نیاز به مهارت های جدیدی داشته باشند تا بتوانند بازار کار را همچنان پوشش دهند و از این طریق به دلیل ضعف قدرت رقابتی در یادگیری و کسب مهارت های جدید، سالخوردگی جمعیت تأثیر منفی بر فقر و توزیع درآمد خواهند داشت.

تورم: تورم می تواند تأثیرات متعددی بر توزیع درآمد و فقر در جامعه داشته باشد. تورم معمولاً تأثیر منفی بر درآمد حقوق بگیران دارد. از طرف دیگر، افرادی که درآمدهایشان به اندازه کافی رشد می کند (درآمد متغیر) ممکن است تأثیر منفی تورم را کمتر تجربه کنند. افرادی که دارای دارایی های مالی و یا فیزیکی ارزشمند مانند مسکن، ارز و سهام هستند، از تورم بهره مند می شوند. درحالی که افراد دارای دارایی های کمتر، ممکن است بیشتر تحت تأثیر تورم قرار گیرند. از این رو انتظار می رود تورم شکاف طبقاتی را گسترش دهد. همچنین، تورم باعث می شود افراد با درآمد پایین کمتر پس انداز کنند. این در حالی است که تورم بر پس انداز افراد پردرآمد تأثیر چندانی ندارد و لذا از این کانال، تورم موجب افزایش شکاف طبقاتی می شود. بعلاوه اینکه افزایش قیمت ها باعث می شود که افراد با درآمد محدود توانایی تأمین نیازهای روزمره خود را از دست دهند و فقیرتر شوند. همچنین، افزایش تورم ممکن است به کاهش امکان دسترسی به خدمات اساسی مانند آموزش، بهداشت و درمان، مسکن و غذا منجر شود. افراد با درآمد محدود و پایین تر ممکن است به سختی بتوانند هزینه های این خدمات روزمره را پوشش دهند. لذا درمجموع تورم موجب گسترش فقر می شود.

نرخ ارز: نرخ ارز می تواند تأثیر مهمی بر درآمد کسب وکارها و صادرکنندگان داشته باشد. افزایش نرخ ارز می تواند از کانال صادرات به نفع تولیدکنندگان کالاها و خدماتی باشد که به بازارهای خارجی صادر می کنند و درآمد ارزی کسب می کنند.

از طرف دیگر، افزایش نرخ ارز می‌تواند از طریق افزایش واردات، هزینه‌های واردات مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، منجر به افزایش هزینه‌های تولید شود و از این رو به زیان تولیدکنندگان شده و منجر به کاهش درآمد آن‌ها شود. افزایش نرخ ارز می‌تواند صنعت‌های تولیدی داخلی را تشویق کرده و اشتغال در این صنایع را افزایش دهد. از طرف دیگر، کاهش نرخ ارز ممکن است واردات را تشویق کند و به صنعت‌های داخلی فشار رقابتی بیشتری اعمال کند.

تغییرات در نرخ ارز می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر ارزش دارایی‌ها داشته باشد. به عنوان مثال، افزایش نرخ ارز ممکن است ارزش دارایی‌های مالی و دارایی‌های قیمت‌گذاری شده بر مبنای ارز را افزایش دهد که به نفع دارندگان این دارایی‌ها با درآمد بالا باشد. تغییرات در نرخ ارز می‌تواند توانایی خرید افراد را تحت تأثیر قرار دهد. افزایش نرخ ارز می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌ها و کاهش توان خرید افراد از کالاها و خدمات وارداتی شود. از سوی دیگر، با افزایش نرخ ارز، هزینه‌های تولید افزایش یافته و با افزایش سطح قیمت‌ها، قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد و بدین ترتیب فقر گسترش می‌یابد. نرخ ارز می‌تواند تأثیرات مستقیمی بر قیمت‌های محصولات اساسی مانند مواد غذایی و سوخت داشته باشد. افزایش نرخ ارز می‌تواند بر افزایش قیمت‌های محصولات و به خصوص بر افراد با درآمد پایین تأثیر منفی داشته باشد.

تسهیلات بانکی: تسهیلات بانکی به عنوان یک مؤلفه مهم در سیاست‌های مالی و اقتصادی، می‌تواند تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر فقر و توزیع درآمد داشته باشد. تأثیرات این تسهیلات ممکن است بر حسب نوع و هدف آن‌ها، شرایط بازار مالی و سیاست‌های دولتی متغیر باشد و افراد و کسب‌وکارها را قادر به دستیابی به منابع مالی بیشتر کند. از طرفی این امکان را ایجاد می‌کند که افراد با درآمد کمتر و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به وام‌ها و اعتبارات دسترسی پیدا کنند. این تسهیلات به ویژه اگر به افراد با کسب‌وکارهای با درآمد پایین اعطا شوند، می‌تواند به توزیع درآمد کمک کند. تسهیلات بانکی می‌تواند رشد اقتصادی را که به نفع افراد با درآمد مختلف باشد تشویق کند. رشد اقتصادی ممکن است فرصت‌های اشتغال بیشتری ایجاد کند و درآمد افراد را افزایش دهد. تسهیلات بانکی ممکن است تأثیرات متفاوتی بر افراد و کسب‌وکارها با دارایی‌های مالی داشته باشد. افراد و کسب‌وکارهایی که به راحتی به تسهیلات بانکی دسترسی دارند، ممکن است از رشد بازار سرمایه و دارایی‌های مالی بهره‌برداری بیشتری داشته باشند. تسهیلات بانکی می‌تواند به کاهش فقر کمک کند. به افراد و خانوارهای با درآمد کمتر اجازه می‌دهد که به وام‌ها دسترسی پیدا کنند و از منابع مالی برای مصرف روزمره و انجام پروژه‌های اقتصادی استفاده کنند. افزایش تسهیلات بانکی می‌تواند به افزایش تقاضا و نرخ تورم منجر شود. افزایش قیمت‌ها به ویژه برای کالاها و خدماتی که تأمین اعتبارات بانکی بیشتری دارند، ممکن است بر افراد با درآمد پایین تأثیر منفی داشته باشد. تسهیلات بانکی ممکن است تأثیرات اقتصادی و اجتماعی مختلفی بر افراد و جوامع داشته باشد. این تأثیرات ممکن است افزایش اشتغال، کاهش عدم تأمین نیازهای اساسی و تقویت امنیت مالی را شامل شود.

درجه باز بودن اقتصاد: به طور کلی، تأثیر درجه باز بودن اقتصاد بر توزیع درآمد بستگی به عوامل مختلفی دارد و نمی‌توان به صورت یکسان برای کشورها یا شرایط مختلف تعریف کرد. وجود تجارت بین الملل و درجه باز بودن اقتصاد می‌تواند به توسعه بخش‌هایی از اقتصاد که محصولات آن‌ها صادر می‌شود، منجر به افزایش درآمد شود. اگر تجارت خارجی به صورت

متناسب با توانمندی های تولیدی کشور انجام شود، ممکن است افراد با درآمد بالاتر از نتایج این تجارت بهره مند شوند؛ اما تنوع بخش های اقتصادی و ایجاد فرصت های اشتغال در بخش های مختلف می تواند به توزیع بهتر درآمد کمک کند. همچنین درجه باز بودن اقتصاد می تواند به ایجاد فرصت های اشتغال در کشور کمک کند. با توسعه تجارت بین الملل و سرمایه گذاری خارجی، بخش های مختلف اقتصادی می توانند رشد کرده و اشتغال زیادی ایجاد کنند. این امر می تواند به کاهش نرخ بیکاری و فقر در کشور کمک کند. علیرغم اینکه تجارت بین الملل دارای مزایایی برای اقتصاد است، لیکن درجه باز بودن اقتصاد می تواند به تأثیرات بر نرخ تورم دامن زده و در نتیجه توزیع درآمد و فقر را تحت تأثیر قرار دهد. افزایش تجارت بین الملل ممکن است منجر به افزایش قیمت ها و تورم شود که به نفع افراد با درآمد ثابت و محدود نیست و از این رو، منجر به بدتر شدن توزیع درآمد و گسترش فقر شود.

۲-۲- پیشینه تحقیق

کلیدی بودن متغیر فقر، در اهداف کلان اقتصادی همواره مورد توجه سیاست گذاران و برنامه ریزان اقتصادی بوده است، از این رو، مطالعات تجربی در حوزه فقر و توزیع درآمد در کانون توجه پژوهشگران اقتصادی قرار گرفته است. با توجه به گستردگی این مطالعات در حوزه شهری، روستایی و کل کشور، در ادامه سعی شده، تعدادی از مطالعات مهم و مرتبط انجام شده در طول دهه اخیر در زمینه عوامل مؤثر بر فقر و توزیع درآمد در حوزه روستایی در قالب جدول ارائه شود.

جدول ۱. مطالعات تجربی انجام شده در زمینه فقر و توزیع درآمد

محققین	سال تحقیق	جامعه آماری	روش تخمین	نتیجه
مطالعات خارجی				
گارسیا-مورا و مورا-ریورا ^۱	۲۰۲۳	مناطق روستایی مکزیک	تکنیک شبه تجربی (نظرسنجی)	دسترسی به اینترنت یک مکانیسم اضافی است که به کاهش سطح فقر کمک می کند
روی ^۲ و همکاران	۲۰۲۱	بنگلادش، ۱۹۷۶-۲۰۱۸	اثرات ثابت	این پژوهش نشان می دهد که اعتبار، اثرات مثبت قابل توجهی بر GDP ملی و کشاورزی دارد. افزایش میزان وام ها، تعداد وام گیرندگان و تعداد شعب بانک ها نشان دهنده افزایش دسترسی افراد به منابع مالی است که فعالیت های مرتبط با تولید آن ها را افزایش می دهد و در نهایت به افزایش تولید ناخالص داخلی کمک می کند. این پژوهش نشان می دهد که اعتبار، اثر مطلوب قابل توجهی نیز بر کاهش فقر داشته و اهمیت اعتبار در بنگلادش و سایر اقتصادهای نوظهور برای شکوفایی اقتصاد و کاهش فقر مشهود است. در نهایت، این پژوهش پیشنهاد می کند که مؤسسات مالی باید برنامه های اعتباری خود را برای کارآفرینان و کشاورزان روستایی گسترش دهند تا توسعه پایدار روستایی و اقتصادی را تضمین کنند.

1. Garcia-Mora & Mora-Rivera
2. Roy

محققین	سال تحقیق	جامعه آماری	روش تخمین	نتیجه
مطالعات خارجی				
نگوین ^۱ و همکاران	۲۰۲۰	مناطق شهری و روستایی ویتنام، ۲۰۰۸-۲۰۱۶	اثرات ثابت (پانل)	هر چه نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد، سطح نابرابری درآمد روستایی - شهری کم تر است. سرمایه گذاری خارجی در ویتنام عمدتاً برای مناطق شهری است که زیرساخت های آن بسیار بهتر از مناطق روستایی است. همچنین عوامل دیگری مانند تعداد خانوارهای استفاده کننده از اینترنت، یا سطح تحصیلات بر نابرابری درآمد تأثیر می گذارند.
عبدالرحیم ^۲ و همکاران	۲۰۱۸	مناطق روستایی کشور چین، ۲۰۱۲-۲۰۱۳	روش های پانلی	سرمایه گذاری در حفاظت از خاک و آب، به منظور ارتقای توسعه اقتصاد کشاورزی و کاهش فقر روستایی باید در اولویت قرار گیرد.
اوکویه ^۳ و همکاران	۲۰۱۷	کشورهای در حال توسعه، ۱۹۸۶-۲۰۱۵	حداقل مربعات معمولی	افزایش اعتبارات و وام به مناطق روستایی باعث کاهش فقر در کشورها می شود.
چن ^۴ و همکاران	۲۰۱۶	مناطق روستایی چین	نظرسنجی از ۷۳۷۵۰ خانوار روستایی	رشد اقتصادی نمی تواند مشکل فقر روستایی را حل کند. پیری فزاینده جمعیت به عامل جدی و اصلی تأثیرگذار بر بروز فقر در اکثر مناطق روستایی تبدیل شده است.
آبرو ^۵ و همکاران	۲۰۱۴	اتیوپی	داده های پانل (۱۹۹۴-۲۰۰۹)	افزایش بهره وری کشاورزی خرده مالک کلید کاهش فقر است.
گلاو ^۶ و همکاران	۲۰۱۳	منطقه ۴ روستایی اتیوپی، ۲۰۰۹-۲۰۰۴	روش های پانلی	استفاده از کود، دامداری، مشارکت در فعالیت های خارج از مزرعه، اندازه خانواده و اندازه زمین به طور معنی داری وضعیت فقر روستایی را تعیین می کند.
آدیگون ^۷ و همکاران	۲۰۱۱	مناطق روستایی نیجریه، ۱۹۹۶-۲۰۰۴	تجزیه و تحلیل داده های ثانویه با استفاده از نظرسنجی	نتیجه نشان می دهد آنچه که برای کاهش فقر اهمیت دارد عمدتاً رشد اقتصادی شتابان، توزیع مجدد و کاهش نابرابری است

1. Nguyen
2. Abdul-Rahim
3. Okoye
4. Chen
5. Abro
6. Gelaw
7. Adigun

محققین	سال تحقیق	جامعه آماری	روش تخمین	نتیجه
مطالعات خارجی				
گلاو ^۱	۲۰۱۰	مناطق روستایی اتیوپی، ۱۹۹۴-۲۰۰۴	اثرات ثابت (پانل)	از عوامل مهم کاهش فقر روستایی در اتیوپی، رشد اقتصادی و توزیع مناسب درآمد هستند.
ژو و لائو ^۲	۲۰۱۰	جوامع روستایی هویی چین، سال ۲۰۰۲	روش های رگرسیونی OLS و پروبیت	نتایج این مطالعه نشان می دهد در خانوارهای روستایی که بهره‌وری نیروی کار کمتری دارند، مهاجرت منجر به افزایش درآمد می شود. این مقاله از این فرضیه پشتیبانی می کند که مهاجرت به سه دلیل تأثیرات برابری بر درآمد روستایی دارد: (۱) کشاورزانی که بازده مورد انتظار بالاتری در فعالیت های کشاورزی و/یا فعالیت های غیر کشاورزی محلی دارند، در حومه شهر باقی می مانند در حالی که آن هایی که بازده مورد انتظار بالاتری در بخش های غیر کشاورزی شهری دارند مهاجرت می کنند. (۲) خانوارهایی که با محدودیت های الزام آور عرضه زمین مواجه هستند، احتمال بیشتری برای مهاجرت دارند. (۳) خانوارهای فقیرتر به طور نامتناسبی از مهاجرت سود می برند.
مطالعات داخلی				
جمینی و دهقانی	۱۴۰۲	جامعه روستایی ایران، سال ۱۴۰۰	رگرسیون چندگانه	نتایج نشان داد چهار متغیر بر خورداری از زیرساخت های رفاهی، درصد باسوادی، درصد شاغلین بخش خدمات و شاغلان با ۴۹ ساعت کار معمول و بیش تر، با سطح درآمد روستاییان ارتباط آماری معنی دار و مثبت داشته اند و سه متغیر درصد شاغلین بخش کشاورزی، درصد روستانشینی و فاصله از مرکز (پایتخت)، رابطه آماری معنی دار منفی داشته اند.
صفری علی اکبری	۱۴۰۱	مناطق روستایی شهرستان کرمانشاه،	توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده های میدانی	سه عامل: رونق بسترهای اقتصادی و اشتغال زایی، ارتقاء سرمایه انسانی و اجتماعی و ایجاد ظرفیت های تسهیلاتی و درآمدی، تأثیرگذارترین عوامل در تاب آوری مناطق روستایی هستند.
مشایخی و همکاران	۱۴۰۰	زنان روستایی شهرستان کرمانشاه	روش نمونه-گیری تصادفی ساده	نتایج تحلیل نشان داد که متغیرهای دارا بودن مهارت در یک شغل، وضعیت مالی خانواده پدری، نداشتن سرمایه اولیه، میزان آشنایی با بازار کار و تعداد افراد تحصیل کرده بیکار در خانواده بیشترین تأثیر را بر میزان فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی دارند.

1. Gelaw

2. Zhu & Luo

محققین	سال تحقیق	جامعه آماری	روش تخمین	نتیجه
مطالعات داخلی				
جلایی و گرگینی	۱۳۹۹	دهک درآمدی روستایی ایران، ۱۳۶۹-۱۳۹۴	خود رگرسیون برداری و مدل تصحیح خطای برداری	افزایش تجارت خارجی، توزیع درآمد روستایی را عادلانه‌تر می‌کند. از سوی دیگر، شدت اثرگذاری تجارت خارجی بر ضریب جینی در کوتاه‌مدت بر دهک‌های پایینی بیشتر است. نتایج برای بلندمدت نشان می‌دهد با افزایش تجارت خارجی شکاف طبقاتی درآمدی در روستاها افزایش می‌یابد.
زروکی و همکاران	۱۳۹۹	مناطق شهری و روستایی، سال ۱۳۹۵	روش اثر تصادفی در رگرسیون لاجستیک	احتمال فقیر بودن خانوار دارای سرپرست شاغل بخش کشاورزی نسبت به غیر کشاورزی، در مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری بوده و احتمال فقیر بودن خانوار دارای سرپرست شاغل در بخش عمومی نسبت به بخش خصوصی، در مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری است.
پیش بهار و همکاران	۱۳۹۸	مناطق روستای کشور-۱۳۶۵ الی ۱۳۹۴		نرخ تورم، نرخ بیکاری، باروری، بعد خانوار و روند زمانی و جمعیت روستایی در بررسی عوامل مؤثر بر فقر، دارای اثر مثبت و رشد اقتصادی، شاخص قیمت تولیدکنندگان کشاورزی، موجودی سرمایه خالص بخش کشاورزی و ارزش افزوده بخش کشاورزی دارای اثر منفی بوده و به عنوان عوامل مؤثر بر فقر شناخته شده‌اند.
سردار شهرکی و همکاران	۱۳۹۸	مناطق روستایی ایران-۱۳۶۳ تا ۱۳۹۳	VECM	بهره‌وری نیروی کار کشاورزی و افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی، مخارج تحقیقات و آموزش کشاورزی منجر به بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر می‌شود.
ابراهیمی و همکاران	۱۳۹۷	مناطق روستایی ایران، ۱۳۶-۱۳۹۳	FAVAR	توابع واکنش آنی حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که یک شوک مثبت به اندازه یک انحراف معیار در مخارج عمرانی دولت، پس از هفت فصل، منجر به کاهش ضریب جینی و بهبود توزیع درآمد در مناطق روستایی می‌شود.
محمودی و همکاران	۱۳۹۴	خانوارهای روستایی شهرستان ابهر در سال ۱۳۹۲	استفاده از ضرایب همبستگی پیرسون	و ضدیت شاغلین بخش کشاورزی در مقابل دیگر افراد مناسب‌تر است، خانوار با سرپرست مسن‌تر از سطح درآمد کمتری برخوردار بوده و خانوار با سرپرست مرد از سطح درآمدی بیشتری برخوردار است. نتایج، حکایت از درآمد بالای خانوارهای با سرپرست تحصیل کرده دارد.
بنی اسدی و ورمزیاری	۱۳۹۳	جامعه روستایی ایران-۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶	روش معادلات هم‌زمان	افزایش بهره‌وری نیروی کار، سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی، افزایش در بودجه‌های عمرانی، نرخ باسواد و مخارج بهداشتی و درمانی باعث کاهش نابرابری درآمد و فقر شده و متغیر تولید سرانه ناخالص داخلی و افزایش جمعیت روستایی باعث افزایش فقر و نابرابری درآمدی می‌شود.

محققین	سال تحقیق	جامعه آماری	روش تخمین	نتیجه
مطالعات داخلی				
مهرگان و زمانی شبخانه	۱۳۹۲	ایران- ۱۳۵۱ الی ۱۳۸۹	جوهانسون جولیسیوس	رابطه نسبت شهرنشینی به عنوان مهم ترین متغیر مورد بررسی و نابرابری اقتصادی، یک رابطه غیرخطی است، به شکلی که با افزایش نسبت شهرنشینی، نابرابری کاهش و بعد از یک حد معین نابرابری افزایش پیدا می کند. این مطالعه از آن لحاظ حائز اهمیت است که نشان می دهد، نبود امکانات در مناطق روستایی منجر به مهاجرت و تقویت نابرابری اقتصادی می شود.
پور طاهری و همکاران	۱۳۹۰	بخش خلیجستان شهرستان قم، سال ۱۳۸۵	رویکرد پرسشنامه ای و میدانی	شغل اول سرپرست خانوار، تعداد دام، بیکاری، مدت زمان بیکاری، شاخص تجهیزات به عنوان عوامل اقتصادی مؤثر بر فقر روستای هستند. این مطالعه نشان می دهد تعداد باغات و قطعات زمین، تولید صنایع دستی، شاخص تسهیلات تأثیر معنی داری بر فقر روستایی ندارند

منبع: یافته های تحقیق

بر طبق جدول فوق، عوامل تأثیرگذار بر متغیر فقر و توزیع درآمد در هر یک از مطالعات داخلی انجام شده محدود و تا حدی مختلف و متفاوت بوده است. از سوی دیگر، با توجه به روش های اقتصادسنجی مورد استفاده در این مطالعات، نتایج و یافته های تجربی آنان لزوماً یکسان نبوده است. به طوری که برحسب روش های اقتصادسنجی مورد استفاده، نوع داده های مورد استفاده و متغیرهای ملحوظ در مدل، نتایج متغیر بوده و همین امر سبب می شود سیاست گذاران اقتصادی در شناخت عوامل مهم و تأثیرگذار بر فقر و توزیع درآمد دچار تردید شوند. در این راستا، استفاده از روش های اقتصادسنجی مناسب که بتواند عوامل مهم اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر فقر و توزیع درآمد روستایی را شناسایی کرده و نتایج آن در سیاست گذاری اقتصادی از استحکام بیشتری برخوردار شود، بسیار مهم و یک ضرورت جدی است. روش های بیزین و استفاده از رگرسیون های انتخاب متغیرها (V-select) از جمله روش هایی است که می تواند نتایج تحقیق را برای سیاست گذاران قابل استفاده نماید و این امر مهم ترین وجه تمایز مطالعه حاضر با مطالعات انجام شده است. در مطالعه حاضر سعی شده عوامل مهم و تأثیرگذار بر توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران با بهره گیری از تکنیک های اقتصادسنجی بیزین و انتخاب متغیرها طی دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۶۳ مورد کنکاش علمی قرار گیرد.

۳- روش شناسی تحقیق

۳-۱- معرفی مدل

در این بخش ابتدا مدل تجربی عوامل مؤثر بر فقر و توزیع درآمد معرفی شده و سپس روش تخمین مدل توضیح داده شده است. بر اساس مبانی نظری، مدل پایه ای فرضیه کوزنتس، یک رابطه غیرخطی درجه دو بین توزیع درآمد و درآمد سرانه وجود دارد. لیکن با در نظر گرفتن مبانی نظری و پیشینه تحقیق، عوامل متعددی بر توزیع درآمد مناطق روستایی

تاثیرگذار است. با در نظر گرفتن محدودیت آمار و اطلاعات متغیرهای سری زمانی، الگوی تجربی عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد بر اساس مطالعاتی چون بیریش و همکاران^۱ ۲۰۲۱، پیش بهار و همکاران ۱۳۹۸، گلاو ۲۰۱۰ به شکل زیر معرفی می‌شود:

$$\text{Ineq} = f(\text{gdperk}, \text{qper}, \text{rmbtk}, \text{rinf}, \text{ex}, \text{ur}, \text{age}, \text{adu}, \text{you}, \text{op}) \quad (۱)$$

که در آن شرح متغیرهای مدل به صورت زیر است:

Ineq: نشان دهنده شاخص توزیع درآمد است. در این تحقیق از دو شاخص ضریب جینی (gini) و نسبت هزینه‌های دو دهک بالا یا ثروتمندان به دو دهک پایین یا فقرا استفاده شده است. این متغیر در بخش تخمین با TW نشان داده شده است.

gdperk: نشان دهنده درآمد سرانه حقیقی مناطق روستایی است. این شاخص از نسبت ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت در سال ۱۳۹۰ به جمعیت روستایی به دست آمده است.

qper: شاخص نشان دهنده مربع درآمد سرانه حقیقی روستایی است.

rmbtk: عبارت از نرخ رشد حقیقی مانده تسهیلات بخش کشاورزی است که از تفاضل نرخ رشد مانده اعتبارات اعطایی به بخش کشاورزی و نرخ تورم روستایی به دست آمده است.

rinf: نشان دهنده نرخ تورم مناطق روستایی است.

ex: نشان دهنده نرخ ارز اسمی (دلار آمریکا) بازار آزاد است.

ur: نشان دهنده نرخ شهرنشینی است که از تقسیم جمعیت شهری به کل جمعیت کشور به دست آمده است. این شاخص به نوعی مهاجرت روستاییان را هم نشان می‌دهد. مجموع نرخ شهرنشینی و روستانشینی برابر یک بوده و از این رو افزایش این متغیر به منزله کاهش نرخ روستانشینی و یا افزایش مهاجرت از روستا به شهر تلقی می‌شود...

age: نشان دهنده متوسط سن جمعیت روستایی و بالا بودن آن به منزله تغییر ساختار جمعیت روستایی از جوانی به سمت پیری است.

adu: این شاخص نشان دهنده تغییر ساختار جمعیتی روستا به سمت سالمندی است. طبق تعریف مرکز آمار ایران، این شاخص از نسبت جمعیت بالای ۶۰ سال به جمعیت زیر ۱۵ سال به دست آمده است. از این رو، با کاهش نرخ زاد و ولد، این شاخص افزایش خواهد یافت. آمار و اطلاعات این متغیر از سایت مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده است.

you: این متغیر به شاخص ورتهایم معروف بوده و معیاری برای نشان دادن جوانی جمعیت است که از نسبت جمعیت ۱۵ الی ۴۰ به کل جمعیت به دست می‌آید. آمار و اطلاعات این متغیر از سایت مرکز آمار گردآوری شده است.

op: نشان دهنده درجه باز بودن اقتصاد بوده و از مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی کشور به دست می‌آید. شایان ذکر است آمار و اطلاعات متغیر درجه باز بودن اقتصاد از بانک جهانی استخراج شده و آمار و اطلاعات سایر

متغیرهای تحقیق از سایت رسمی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده است.

بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی، در مدل سازی فقر از عوامل مؤثر بر توزیع درآمد استفاده می شود. لذا برای بررسی عوامل مؤثر بر فقر از مدل (۱) معرفی شده در بالا استفاده خواهد شد. لیکن در مدل تجربی فقر، متغیر وابسته نسبت متوسط هزینه های خوراکی به متوسط کل هزینه های خانوارها بود که در ادبیات اقتصادی به ضریب انگل معروف بوده و به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرد. ارنست انگل به منظور ارزیابی رابطه مخارج خوراکی خانوارها و درآمد آن ها از شاخص نسبت مخارج خوراکی به درآمد خانوارها استفاده نمود. این روش بعدها به عنوان معیاری برای محاسبه خط فقر عینی مورد استفاده قرار گرفت (خداداد کاشی و همکاران، صفحه ۷۰). بر اساس این شاخص، هرچه مقدار ضریب انگل بیشتر باشد، نشان دهنده فقر بیشتر خانوارها و هر چه ضریب انگل کمتر باشد، مبین سطح رفاه بالاتر می باشد.

۳-۲- روش تخمین مدل

در این تحقیق از روش های اقتصادسنجی بیزین که در ادامه، به منظور شناخت و درک بهتر روش های اقتصادسنجی مورد استفاده گرفته توضیح داده شده است. مهم ترین ویژگی این روش، شناسایی متغیرهای مهم و کلیدی تأثیرگذار بر متغیر وابسته از بین متغیرهای مختلف مدل است. فرآیند انتخاب متغیرهای توضیحی در مدل های اقتصادی باید با دقت و با توجه به نظریه و داده ها انجام شود. انتخاب نادرست متغیرها می تواند به نتایج نادرستی در تحلیل های اقتصادی منجر شود. به علاوه، اگر فرآیند تولید دقیق داده ها با دقت انجام نشود، مدل نمی تواند به درستی نظریه های تحقیق را پشتیبانی کند و نتایج تحلیلی نادرست تولید می کند. همچنین، تأثیرات غیرقابل چشم پوشی بر روی ویژگی های آماری برآوردها نیز می تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد؛ بنابراین، برای اعتبارسنجی مدل های اقتصادی و تجزیه و تحلیل دقیق نتایج، باید به این تأثیرات غیرقابل چشم پوشی توجه داشت (Danilov & Magnus, 2004).

توجه به این نکته ضروری است که در حقیقت، هیچ مدلی نمی تواند به طور دقیق تمام جنبه ها و پیچیدگی های دنیای واقعی را به خوبی تشریح کند. از این رو، رویه هایی که توجه به تنوع مدل ها و مدیریت عدم قطعیت را در تحلیل های اقتصادی دارند، اهمیت بسیاری دارند. تعدادی از این رویه ها عبارتند از:

۱. استفاده از مدل های متعدد: محققان می توانند به جای استفاده از یک مدل واحد، از مدل های متعددی استفاده کنند که از فرضیات مختلفی شروع می شوند. این کار می تواند به نمایش تنوع در نتایج تحلیلی منجر شود و به تطبیق مدل با واقعیت های مختلف کمک کند.

۲. استفاده از رویه های میانگین گیری: در این رویه، نتایج حاصل از چند مدل مختلف میانگین گیری می شوند تا یک تخمین کلی بهتر از واقعیت حاصل شود. این روش می تواند از عدم قطعیت و تنوع در مدل ها پیش بینی نتایج را بهتر کند.

۳. استفاده از رویه های بوت استرپ: این رویه از نمونه برداری تکراری برای برآورد توزیع های احتمالی و تخمین ها استفاده می کند. این کار به محققان این امکان را می دهد که با تغییر در داده ها و روش های تحلیلی، عدم قطعیت را ارزیابی کنند. رویه رایج در تحقیقات تجربی مبتنی بر انتخاب یک مدل واحد از بین مدل های مختلف به منزله بهترین مدل برای پیش بینی است. پس از انتخاب مدل و تخمین ها، محققان معمولاً نتیجه گیری های خود را بر اساس فروض مدل انتخاب شده قرار می دهند و طوری عمل می کنند که گویی مدل انتخاب شده، مدلی است که کاملاً توانایی پیش بینی

وضعیت دنیای واقعی را دارد. بالاین حال، این روش تمایل دارد عدم قطعیت واقعی را نادیده گیرد و بنابراین باعث می شود نتیجه گیری به اندازه کافی محافظه کارانه نباشد. مدل های آماری را می توان در دو بخش تجزیه کرد: قسمت اول شامل متغیرها و مفروضات است و قسمت دوم شامل مدل انتخاب شده بر اساس مفروضات برای تخمین همان متغیرها است. در حقیقت عدم اطمینان در هر دو سطح وجود دارد. اکثر مطالعات تجربی در مورد پدیده های اجتماعی-اقتصادی با مشکل عدم قطعیت مدل مواجه هستند. روش میانگین گیری بیزین جزو روش هایی محسوب می شود که در تلاش است مسأله عدم قطعیت را برطرف نماید (حاتم راد و همکاران، ۱۴۰۱). در این راستا، در مطالعه حاضر از روش های میانگین گیری بیزین (BMA, BAS) و مدل های انتخاب متغیرها (V-Select) استفاده شده است. عدم استفاده از روش سوم به دلیل کفایت داده ها می باشد. به بیان دیگر روش بوت استرپ زمانی کارایی دارد که محقق از تعداد داده های اندکی استفاده نماید. مدل میانگین گیری مدل بیزی (BMA) قادر است تا مقاومت نتایج را در برابر مشخصات جایگزین با محاسبه توزیع های پسین برای ضرایب و مدل ها ارزیابی کند (فرناندز، لی و استیل^۱ ۲۰۰۱). این روش ابتدا به وسیله جفریر^۲ در سال ۱۹۶۱ معرفی شده و در بعدها افرادی چون لیمر^۳ (۱۹۷۰، ۱۹۷۳، ۱۹۷۸) و رافتری^۴ (۱۹۹۵، ۱۹۹۷، ۲۰۰۵) به توسعه این مدل پرداختند. میانگین گیری مدل بیزی (BMA) یک مکانیسم منسجم و سیستماتیک را در جهت محاسبه عدم قطعیت مدل ارائه می دهد. در ادامه به اختصار به این مدل پرداخته می شود. برای یک مدل خطی همچون معادله (۳)

$$Y = \beta_0 + \beta_1 x_1 + \dots + \beta_k x_k + \delta \quad (3)$$

با توجه به تعداد رگرسیورها، 2^k ترکیب های مختلف از متغیرهای وابسته را خواهیم داشت که توسط M_j نشان داده شده است. هنگامی-که فضای مدل متشکل از ترکیبات مختلف مدل های بالقوه ساخته شد، توزیع پسین برای هر ضریب متغیر مورد مطالعه، مثلاً β_h ، با توجه به داده (D) به شکل زیر به دست خواهد آمد:

$$\text{pr}(\beta_h | D) = \sum_{j=1}^J \text{pr}(\beta_h | M_j) \text{pr}(M_j | D) \quad (4)$$

BMA از احتمال پسین هر مدل، $\text{pr}(M_j | D)$ به عنوان وزن استفاده می کند که احتمال پسین برای مدل M_j از نسبت احتمال حداکثر درست نمایی آن به مجموع احتمالات حداکثر درست نمایی در کل فضای مدل است که در رابطه های (۵) و (۶) نشان داده شده است.

$$\text{pr}(M_j | D) = \frac{\text{pr}(D | M_j) \text{pr}(M_j)}{\sum_{k=1}^K \text{pr}(D | M_k) \text{pr}(M_k)} \quad (5)$$

$$\text{pr}(D | M_j) = \int \text{pr}(D | \theta_j, M_j) \text{pr}(\theta_j | M_j) d\theta_j \quad (6)$$

1. Fernandez, Lay and Steel

2. Jefrier

3. Leamer

4. Reftry

در ادامه به اختصار به دو روش شناخته شده میانگین گیری بیزین (BAS, BMS) پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است که برای بررسی انسجام نتایج در این مطالعه از روش انتخاب متغیر گام به گام با عنوان (V-Select) استفاده می شود.

• BMS¹

این روش جایگزینی برای مدل پیش بینی BMA² می باشد. در واقع یکی از مهم ترین مزیت های این روش در مقایسه با BMA توانایی انتخاب مدل های متنوع در فضای تمامی مدل های در دسترس است. یک انتخاب محقق برای BMS این است که مدلی را با بالاترین احتمال پسین در جست و جوی مدل انتخاب کند. این روش از مدل خطی معمولی - مزدوج استاندارد بیزی به عنوان مدل پایه و g-prior به عنوان انتخاب ساختارهای قبلی برای ضرایب رگرسیون استفاده می کند. این ویژگی به محقق یک دید جامعی برای بررسی تمامی مدل های مهم مورد نظر را می دهد (حاتم راد و همکاران، ۱۴۰۱). همان طور که در معادله ۳ دیده شد، در روش بیزی می توان احتمال تابع پسین و البته حداکثر درست نمایی را به دست آورد؛ اما این مهم برای احتمال پیشین قابل انجام نیست. به همین دلیل، زلنر³ (۱۹۸۶) پیشنهاد داد یک تابع توزیع یکنواخت برای تمامی داده ها در تمامی مقاطع برای تابع احتمال پیشین در نظر گرفته شود که از یک توزیع نرمال پیروی می کند. تابع پیشنهادی زلنر که با عنوان g-prior شناخته می شود در معادلات (۷) و (۸) تعریف شده است.

$$g = \delta^2 \left(\frac{1}{g} X_{\lambda}' X_{\lambda} \right)^{-1} \quad (7)$$

$$\pi(\beta_{\lambda} | M_j, \delta^2) \sim N_{p\lambda} [0, g \delta^2 \left(\frac{1}{g} X_{\lambda}' X_{\lambda} \right)^{-1}] \quad (8)$$

با آگاهی از تابع توزیع پیشین و حداکثر درست نمایی، محقق می تواند معادله رگرسیون خطی (۳) را به شکل زیر تخمین بزند.

$$pr(\beta | D) = \sum_{k=1}^{2^k} pr(\beta | M_k, D) pr(M_k | D) \quad (9)$$

در نهایت میانگین و واریانس توزیع پسین برای پارامتر β به شکل زیر خواهد بود:

$$= \sum_{k=1}^{2^k} E(\beta | M_k, D) pr(M_k | D) \quad E(\beta | D) \quad (10)$$

$$= \sum_{k=1}^{2^k} var(\beta | M_k, D) pr(M_k | D) + \sum_{k=1}^{2^k} (E(\beta | M_k, D) - E(\beta | D))^2 var(\beta | D) \quad (11)$$

به گفته کاس و رافتری⁴ (۱۹۹۵)، اگر احتمال حضور پسین (PIP)⁵ برای یک متغیر خاص یک (PIP < 0.5) باشد، نشان می دهد که آن متغیر اثر ناچیز در مدل دارد. برای هر متغیر توضیحی در مدل، احتمال حضور پسین (PIP) محاسبه می شود. ضرایب PIP پیش بینی شده از تخمین 2^K مدل به ازای K متغیر به دست می آید.

-
1. Bayesian model selection
 2. Bayesian model averaging
 3. Zellner, A.
 4. Kass and Raftery
 5. Posterior Inclusion Probability

• BAS¹

روش نمونه برداری تطبیقی بیزین، BMA را در مدل های خطی با استفاده از نمونه برداری تصادفی یا قطعی بدون جایگزینی از توزیع های پسین انجام می دهد. این روش برخلاف روش BMS نه تنها می تواند از تابع پیشین زنر استفاده کند، بلکه می توان توابع ترکیب با آن را نیز تعریف کرد؛ هرچند این امر باعث افزایش زمان تخمین خواهد شد. در نمونه گیری در این روش اگر تعداد متغیرها کمتر از ۲۵ باشد، بسته BAS همه مدل ها را برمی شمارد. نکته بسیار خوب این روش در مقابل دو روش دیگر، ارائه هم زمان بهترین مدل ها است. مدلی که بیشترین قدرت توضیح دهنده برای برآورد متغیرهای انتخاب شده را دارا است.

۴- نتایج و تحلیل یافته های تحقیق

همانطور که در بخش های پیش بیان گردید، در این مطالعه سعی شده اهمیت تأثیرگذاری عوامل مؤثر (متغیرهای اقتصادی- اجتماعی) بر توزیع درآمد و فقر روستاهای کشور مورد مطالعه قرار گیرد تا بدین ترتیب عوامل مؤثر بر فقر و توزیع درآمد مناطق روستایی تعیین شود. در این راستا از مدل های رفع عدم اطمینان چون میانگین گیری (BMS, BAS) و همچنین روش انتخاب مدل V-Select استفاده شد که در ادامه نتایج آن ها مورد بحث قرار می گیرد. این بخش از سه قسمت تشکیل شده است:

ابتدا عوامل مؤثر بر توزیع درآمد روستایی و U شکل معکوس با استفاده از مدل های یاد شده مورد بحث قرار گرفته است و سپس در ادامه سعی شده است تا این روش ها برای دو متغیر وابسته، نسبت هزینه های دو دهک بالا به دو دهک پایین و نیز شاخص سهم هزینه های خوراکی از کل هزینه های خانوار نیز مورد استفاده قرار گیرد؛ که به ترتیب، اولین شاخص معرف شکاف طبقاتی بین دهک های مختلف مناطق روستایی بوده و به نوعی بیانگر شاخص توزیع درآمد نیز می باشد. به طوری- که هر چه این شاخص بزرگ تر باشد، نشان دهنده توزیع نابرابر درآمد است. شاخص دوم بیانگر شاخص فقر در بین مناطق روستایی می باشد.

۴-۱- تأثیر عوامل بر توزیع درآمد

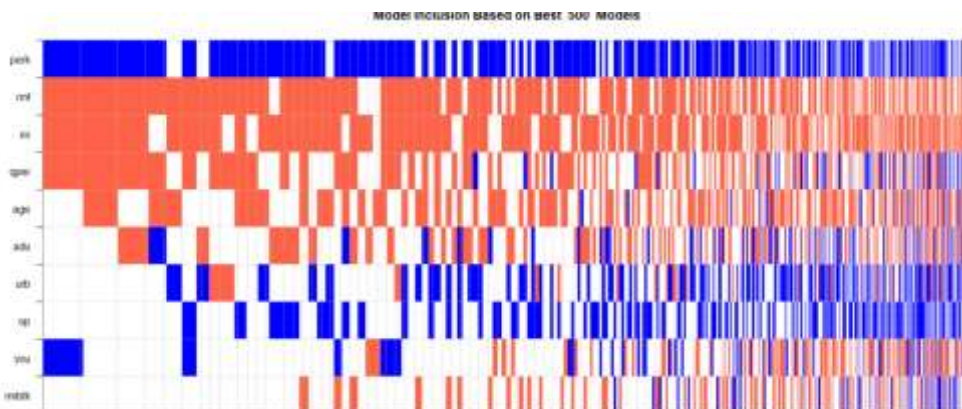
در جدول (۲)، نتایج تأثیر عوامل مؤثر بر توزیع درآمد با دو روش BMS و BAS بر اساس احتمال حضور (PIP) طبقه بندی شده است. با توجه به ضریب PIP، می توان چنین گفت که هر دو مدل متغیرهای یکسانی دارای PIP بزرگ تر از ۵٪ هستند و در نتیجه این خود نشان دهنده استحکام نتایج می باشد.

جدول ۲. نتایج عوامل مؤثر بر توزیع درآمد (ضریب جینی) با استفاده از روش های بیزین

متغیر	روش های تخمین	
	BMS (PIP)	BAS(PIP)
gdpperk	۰/۷۶	۰/۷۶
ex	۰/۷۵	۰/۷۵
rinf	۰/۷۵	۰/۷۶
qper	۰/۵۶	۰/۵۷
Age	۰/۵۰	۰/۵۳
adu	۰/۴۳	۰/۴۶
urb	۰/۴۰	۰/۴۴
op	۰/۳۸	۰/۴۳
you	۰/۳۴	۰/۳۷
rmbtk	۰/۲۴	۰/۳۰

منبع: یافته های تحقیق

چنانچه مشاهده می شود، بر اساس نتایج PIP، به ترتیب درآمد سرانه حقیقی کشاورزی، نرخ ارز، نرخ تورم روستایی، متغیرهای توان دوم درآمد و متوسط سن جمعیت روستایی است از مؤثرترین متغیرهای تأثیرگذار بر توزیع درآمد (ضریب جینی) می باشند. برای بررسی چگونگی اثرگذاری (اثرگذاری منفی یا مثبت) این متغیرها شکل (۲) گزارش شده است. شکل (۲) ۵۰۰ مدل برتر را نشان می دهد که در آن رنگ قرمز نشان دهنده تأثیر منفی و رنگ آبی نشان دهنده تأثیر مثبت و سفید نشان دهنده عدم حضور متغیر در مدل است.



شکل ۲. ۵۰۰ مدل برتر مدل BMS

منبع: یافته های تحقیق.

بر طبق شکل (۲)، تنها دو متغیر باز بودن تجاری (op) و درآمد سرانه کشاورزی رابطه مثبت با توزیع درآمد دارند، درحالی که سایر متغیرها بیشتر دارای ارتباط منفی را با توزیع درآمد می باشند. درنتیجه چنین می توان گفت که بر اساس

جدول (۲) از میان متغیرهایی که تأثیر معنی دار بر ضریب جینی داشته‌اند، تنها متغیر درآمد سرانه کشاورزی رابطه مثبتی با توزیع درآمد دارد و افزایش آن منجر به افزایش نابرابری درآمد می‌شود.

همچنین با توجه به منفی بودن ضریب متغیر مجذور درآمد بخش کشاورزی، فرضیه کوزنتس در این مطالعه تأیید می‌گردد. در نتیجه می‌توان چنین استدلال کرد که اثرات درآمد سرانه روستایی (بخش کشاورزی) بر ضریب جینی (شاخص توزیع درآمد) به صورت α معکوس است.

همانطور که پیش‌تر بیان شد، برای بررسی بیشتر استحکام نتایج دو روش قبل در جهت تعیین عوامل مهم تأثیرگذار بر ضریب جینی از روش V -Select نیز استفاده شده است. نتایج این روش در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج روش V -Select برای ضریب جینی

تعداد متغیرهای حاضر در مدل	بهترین مدل‌ها
qper	۱: بهترین مدل با یک متغیر
adu, you	۲: بهترین مدل با دو متغیر
Perk, age, you,	۳: بهترین مدل با سه متغیر
Rinf, perk, qper, age	۴: بهترین مدل با چهار متغیر
Rinf, ex, perk, qper, you	۵: بهترین مدل با پنج متغیر
Rinf, ex, perk, qper, you, op	۶: بهترین مدل با شش متغیر
Rinf, ex, perk, qper, age, op, rmbtk	۷: بهترین مدل با هفت متغیر
Rinf, ex, perk, qper, age, adu, op, rmbtk	۸: بهترین مدل با هشت متغیر
Rinf, ex, perk, qper, age, adu, op, you, rmbtk	۹: بهترین مدل با نه متغیر
Rinf, ex, perk, qper, age, adu, op, you, rmbtk, urb	۱۰: بهترین مدل با ده متغیر

مدل پنجم	AIC	معیار برای انتخاب
مدل پنجم	انتخاب بهترین مدل بر اساس معیارهای شناسایی	

منبع: یافته‌های تحقیق

برای بررسی اینکه از میان تمامی این ترکیبات انتخاب شده کدام یک بهترین جواب را می‌دهد نیز از چند معیار استفاده می‌شود که R^2 Adj و AIC از مهم‌ترین معیارها هستند. بر اساس شکل (A) که مهم‌ترین ضمیمه مدل شماره پنجم بوده شامل پنج متغیر است. با مقایسه این مدل با جواب‌های به دست آمده از روش BMS و BAS می‌توان دریافت که این روش نیز جواب آن دو روش میانگین‌گیری بیزین را تأیید می‌کند و در نتیجه می‌توان به نتایج تا حد بالایی اطمینان داشت.

۴-۲- نسبت هزینه‌های دو دهک بالا به دو دهک پایین

این نسبت نشان‌دهنده شکاف طبقاتی بین دهک‌های مختلف مناطق روستایی می‌باشد. جدول (۴) نشان‌دهنده عوامل مؤثر بر شکاف طبقاتی با استفاده از روش BMA و BMS است. همانطور که پیش‌تر گفته شد برای بررسی اثرگذاری

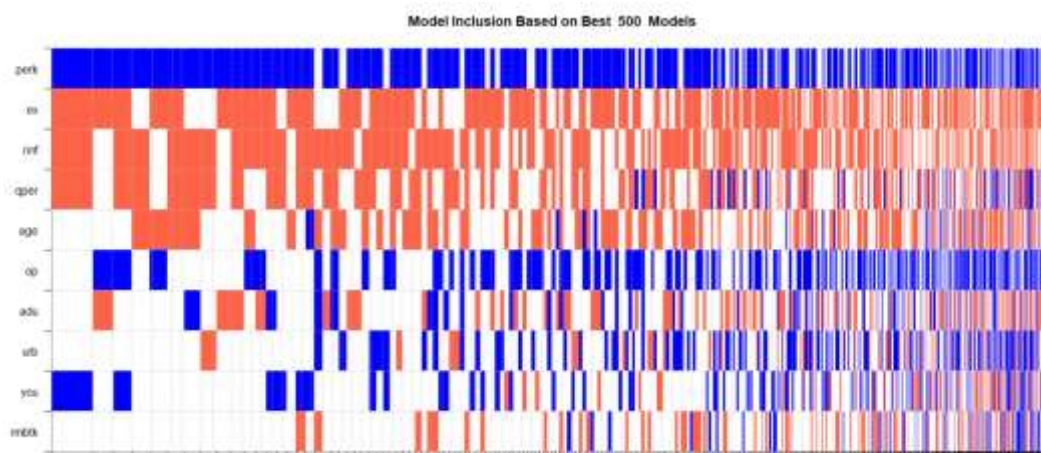
متغیرهای وابسته بر متغیر مستقل مورد مطالعه بایستی نسبت PIP مورد توجه قرار گیرد که اگر بیشتر از ۵/۵ باشد، نشان- دهنده این است که متغیر مورد نظر مهم می باشد.

جدول ۴. عوامل مؤثر بر نسبت هزینه دو دهک بالا به دو دهک پایین (شکاف طبقاتی)

متغیر	روش های تخمین	
	BMS (PIP)	BAS (PIP)
perk	۰/۷۷	۰/۷۷
ex	۰/۶۷	۰/۶۷
rinf	۰/۶۶	۰/۷۰
qper	۰/۵۵	۰/۵۸
Age	۰/۴۷	۰/۵۱
adu	۰/۴۵	۰/۴۵
urb	۰/۴۲	۰/۴۲
op	۰/۳۷	۰/۵۰
you	۰/۳۵	۰/۳۵
rmbtk	۰/۲۴	۰/۳۱

منبع: یافته های تحقیق.

بر طبق نتایج جدول (۳) و نتیجه BAS، همه عواملی که در شاخص توزیع درآمد (ضریب جینی) مهم و تأثیرگذار بودند، در این مدل نیز تأثیرگذار هستند. این در حالی است که بر اساس روش BMS متوسط سن روستایی دیگر در بین متغیرهای اثرگذار و مهم نیست. همانطور که گفته شد در این روش ها می توان نوع تأثیرگذاری را نیز مورد مطالعه قرارداد.



شکل ۳. ۵۰۰ مدل برتر در بررسی عوامل مؤثر بر شکاف طبقاتی

منبع: یافته های تحقیق.

شکل (۳) نشان دهنده ۵۰۰ مدل برتر می باشد. بر اساس این شکل می توان نوع و اثرگذاری متغیرها را بر شکاف طبقاتی پیدا کرد. بر اساس این شکل تنها متغیر مؤثر، درآمد سرانه روستایی دارای اثر مثبت بر شکاف طبقاتی می شود. این در حالی است که سایر متغیرها تأثیر منفی بر شکاف طبقاتی دارند. در ادامه نیز روش V-Select نیز مورد بررسی قرار گرفته و نتایج در جدول (۵) ارائه شده است:

جدول ۴. نتایج روش V-Select برای شکاف طبقاتی

تعداد متغیرهای حاضر در مدل	بهترین مدل ها	
you	۱: بهترین مدل با یک متغیر	
You, op	۲: بهترین مدل با دو متغیر	
rinf, You, op	۳: بهترین مدل با سه متغیر	
rinf, ex, ag, op	۴: بهترین مدل با چهار متغیر	
rinf, ex, ag, adu, op	۵: بهترین مدل با پنج متغیر	
rinf, ex, ag, adu, op, rmbtk	۶: بهترین مدل با شش متغیر	
rinf, ex, ag, adu, you, op, rmbtk	۷: بهترین مدل با هفت متغیر	
rinf, ex, qper, ag, adu, you, op, rmbtk	۸: بهترین مدل با هشت متغیر	
Rinf, ex, perk, qper, age, adu, op, you, rmbtk	۹: بهترین مدل با نه متغیر	
Rinf, ex, perk, qper, age, adu, op, you, rmbtk,urb	۱۰: بهترین مدل با ده متغیر	
AdjR ²	AIC	معیار برای انتخاب
مدل ششم	مدل ششم	انتخاب بهترین مدل بر اساس معیارهای شناسایی

منبع: یافته های تحقیق.

بر اساس معیارهای انتخاب در جدول (B) ضمیمه، بهترین مدل در جدول (۵) نشان داده شده است، مدل ششم تأیید می گردد؛ که این خود با نتایج به دست آمده از روش های میانگین گیری بیزین همسان است و نشان دهنده دقت بالای نتایج می باشد.

۴-۳- شاخص سهم هزینه های خوراک از کل هزینه های خانوارهای روستایی

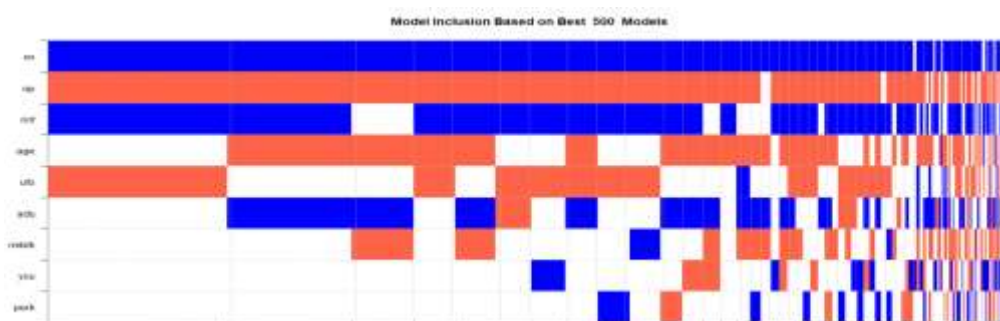
همانطور که گفته شد این معیار نیز به عنوان شاخص فقر شناخته می شود. نتایج به دست آمده برای فقر تا حدی متفاوت است. بر اساس جدول (۶) می توان ملاحظه کرد که متغیرهای نرخ ارز، نرخ تورم روستایی، میانگین سنی روستایی، نسبت سالخوردگی، نسبت شهرنشینی و درجه بازبودن اقتصاد بر شاخص فقر تأثیرگذار هستند.

جدول ۶. عوامل مؤثر بر فقر با استفاده از روش های بیزین

متغیر	روش ها	
	BMA (PIP)	BAS(PIP)
Perk	۰/۱۵	۰/۰۷
Ex	۰/۹۸	۰/۹۹
Rinf	۰/۸۳	۰/۸۹
Age	۰/۵۷	۰/۵۹
Adu	۰/۵۳	۰/۵۷
Urb	۰/۵۴	۰/۵۱
Op	۰/۹۵	۰/۹۹
You	۰/۱۹	۰/۰۹
Rmbtk	۰/۳۰	۰/۲۲

منبع: یافته های تحقیق.

بر اساس جدول (۶) کاملاً مشخص است که نتایج هردو روش میانگین گیری بیزین کاملاً همدیگر را تأیید می کنند. همانطور که قبلاً توضیح داده شد، برای بررسی چگونگی تأثیرگذاری این متغیرها می توان از شکل ۵۰۰ مدل به دست آمده استفاده نمود.



شکل ۵۰۰.۴ مدل برتر در بررسی عوامل مؤثر فقر

منبع: یافته های تحقیق.

طبق شکل (۴) مشخص است که متغیرهای نرخ ارز، تورم روستایی و نسبت سالخوردگی بر فقر دارای ضریب مثبت هستند. در حالی که سایر متغیرهای تأثیرگذار (میانگین سنی روستایی، نسبت شهرنشینی و درجه باز بودن اقتصاد) دارای ضریب منفی هستند. همچنین، در ادامه مدل برتری که بتواند شاخص فقر را بهتر تبیین کند، با استفاده از روش V-Select مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج روش V-Select در جدول (۷) نشان داده شده است. بر اساس معیارهای انتخاب

مدل برتر که در شکل (C) ضمیمه دیده می‌شود مدل ششم که تا حد بالایی با جواب‌های به‌دست آمده از دو روش میانگین‌گیری بیزین تطابق دارد انتخاب شد که این خود نشان‌دهنده استحکام نتایج است.

جدول ۷. نتایج روش *V-Select* برای شاخص فقر

تعداد متغیرهای حاضر در مدل	بهترین مدل‌ها
you	۱: بهترین مدل با یک متغیر
You, op	۲: بهترین مدل با دو متغیر
rinf, You, op	۳: بهترین مدل با سه متغیر
rinf, ex, ag, op	۴: بهترین مدل با چهار متغیر
rinf, ex, ag, adu, op	۵: بهترین مدل با پنج متغیر
rinf, ex, ag, adu, op, rmbtk	۶: بهترین مدل با شش متغیر
rinf, ex, ag, adu, you, op, rmbtk	۷: بهترین مدل با هفت متغیر
Rinf, ex, perk, age, adu, op, you, rmbtk	۸: بهترین مدل با هشت متغیر
	۹: بهترین مدل با نه متغیر

مدل ششم	AIC	معیار برای انتخاب
مدل ششم	مدل ششم	انتخاب بهترین مدل بر اساس معیارهای شناسایی

منبع: یافته‌های تحقیق.

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها سیاستی

در این پژوهش با بهره‌گیری از ادبیات تحقیق (مبانی نظری و پیشینه) عوامل مهم مؤثر بر فقر و توزیع درآمد مناطق روستایی ایران شناسایی شده و با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی بیزین اثرات این عوامل طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۶۳ مورد بررسی و کنکاش تجربی قرار گرفته است. در این راستا، بر اساس ادبیات تحقیق و با در نظر گرفتن محدودیت آمار و اطلاعات، از ضریب جینی و نسبت هزینه‌های دو دهک بالا به دو دهک پایین (شکاف طبقاتی) به عنوان شاخص‌های توزیع درآمد و سهم هزینه‌های خوراکی از کل هزینه‌های خانوار به عنوان معیاری برای فقر استفاده شده است. نتایج تخمین مدل توزیع درآمد با رویکردهای بیزین بیانگر این است که فرضیه کوزنتس در مناطق روستایی ایران مورد تأیید قرار گرفته است. به طوری که بر اساس فرضیه کوزنتس، تأثیر درآمد سرانه بخش کشاورزی بر هر دو شاخص توزیع درآمد (ضریب جینی و نسبت هزینه دو دهک بالا به دو دهک پایین) درجه دو مقعر و یا U وارونه است. به طوری که ابتدا با توسعه بخش کشاورزی و در نتیجه افزایش درآمد سرانه مناطق روستایی، توزیع درآمد بدتر شده و بعد از سطح معینی از درآمد سرانه، توزیع درآمد بهتر می‌شود. این نتیجه‌گیری بر اساس هر دو شاخص ضریب جینی و نسبت هزینه‌های دو دهک بالا به دو دهک پایین (شکاف طبقاتی) مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین نتایج نشان می‌دهد متغیرهای نرخ تورم، نرخ ارز و متوسط سن جمعیت تأثیر منفی و معنی دار بر توزیع درآمد مناطق روستایی داشته است. به طوری که با افزایش

این متغیرها، توزیع درآمد بهتر شده است. متغیرهای درجه شهرنشینی، درجه بازبودن اقتصاد، نرخ رشد مانده تسهیلات نیز تأثیر معنی‌دار بر توزیع درآمد نداشته است. بر اساس این یافته‌ها، به منظور بهبود توزیع درآمد در مناطق روستایی لازم است سیاست‌گذاری و اقدامات مناسب جهت رشد بخش کشاورزی و افزایش درآمد سرانه این بخش انجام گیرد تا درآمد سرانه از سطح آستانه‌ای منحنی کوزنتس عبور کرده و توزیع درآمد بهتر شود. از سوی دیگر، با توجه به اثرات متوسط سن بر توزیع درآمد توصیه می‌شود دولت با اتخاذ سیاست‌های مناسب زمینه را برای استفاده حداکثری از تجربه‌ها و مهارت‌های افراد باسابقه روستایی و انتقال این تجربه به نسل‌های جوان‌تر فراهم نماید.

نتایج تخمین مدل فقر (شاخص سهم هزینه‌های خوراکی از کل هزینه‌ها) نشان می‌دهد که از بین متغیرهای ملحوظ در مدل، متغیرهای نرخ ارز، تورم و سالخوردگی جمعیت تأثیر مثبت و معنی‌دار و متغیرهای متوسط سن، درجه بازبودن اقتصاد و نرخ شهرنشینی تأثیر منفی و معنی‌دار بر فقر روستایی داشته است. البته نرخ رشد مانده تسهیلات بانکی و درآمد سرانه بخش کشاورزی جزو متغیرهای مهم اثرگذار بر فقر شناخته نشده است. بر اساس این یافته‌ها، کنترل نرخ تورم، نرخ ارز و نیز اتخاذ سیاست‌های مناسب برای تقویت درجه بازبودن اقتصاد، استفاده مناسب از تجربیات افراد باسابقه و سال‌خورده می‌تواند زمینه را برای کاهش فقر مناطق روستایی رقم بزند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد هرچند بر اساس رویکردهای اقتصادسنجی بیزین، دو متغیر کلیدی کلان اقتصادی (نرخ ارز و تورم) به عنوان متغیرهای مهم مؤثر بر فقر و درآمد روستایی شناخته شده‌اند، ولی نتایج دلالت بر آن دارد که واکنش توزیع درآمد و فقر مناطق روستایی نسبت به تغییرات این متغیرهای کلان اقتصادی در تضاد باهمدیگر بوده است. به طوری که با افزایش هر دو متغیر نرخ تورم و نرخ ارز، توزیع درآمد مناطق روستایی بهتر شده است، ولی با افزایش این دو متغیر، شاخص فقر بدتر شده است. شاید بتوان دلیل اثرات متفاوت نرخ ارز و نرخ تورم بر شاخص‌های توزیع درآمد و فقر را به ماهیت متفاوت شاخص فقر و شاخص‌های نابرابری درآمد و نیز کانال‌های اثرگذاری این متغیرها بر فقر و توزیع درآمد نسبت داد.

شاخص‌های توزیع درآمد (ضریب جینی و نسبت هزینه دو دهک بالا به دو دهک پایین) به چگونگی توزیع درآمد مناطق روستایی از فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی (عمدتاً بخش کشاورزی و صنایع دستی) و یا اشتغال در بخش دولتی مرتبط است و به نوعی به توزیع نسبی درآمد خانوارها دلالت دارد. این در حالی است که شاخص فقر روستایی (سهم هزینه‌های خوراکی از کل هزینه‌های خانوارها) شاخصی است که فشار اقتصادی وارده بر خانوارهای مناطق روستایی را نشان می‌دهد. این فشارها عمدتاً معطوف به قدرت خرید خانوارها بوده و از دو پارامتر درآمد جاری و تورم متأثر می‌شود. بر اساس ادبیات اقتصادی و با در نظر گرفتن نیازهای مازلو، با کاهش قدرت خرید خانوارها، مصرف خانوارها از کالاها و خدمات غیرضروری به سمت کالاها و خدمات ضروری سوق پیدا می‌کند و این امر سبب می‌شود سهم هزینه‌های خوراکی افزایش یابد. از این رو، می‌توان اثرات نرخ ارز و نرخ تورم بر توزیع درآمد و فقر را به شرح زیر توضیح داد: افزایش نرخ ارز از طریق افزایش تولید و صادرات محصولات کشاورزی و صنایع دستی و غیره موجب اشتغال‌زایی و سبب افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد شده و از این رو، زمینه را برای بهبود توزیع درآمد فراهم نماید. همین‌طور،

می‌توان چنین استدلال کرد که با افزایش قیمت محصولات کشاورزی و روستایی انگیزه خانوارهای روستایی برای تولید بیشتر محصولات افزایش یافته و این امر به نوبه خود منجر به بهبود توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی شده است. البته شایان ذکر است افزایش سطح قیمت کالاها و خدمات می‌تواند از طریق افزایش هزینه‌های زندگی، انگیزه کار بیشتر و کسب درآمد را برای خانوارهای با سطح درآمد پایین بیشتر نماید و این امر نیز می‌تواند به نوبه خود منجر به بهبود توزیع درآمد شود. از سوی دیگر، می‌توان گفت با افزایش نرخ ارز، سطح عمومی قیمت‌ها در جامعه افزایش می‌یابد و همانند تورم موجب بهبود توزیع درآمد می‌شود. همچنین، افزایش نرخ ارز هزینه‌های کالاهای مصرفی وارداتی را افزایش می‌دهد. در نتیجه با افزایش نرخ ارز، هزینه تولید کالاها از طریق افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی افزایش می‌یابد و در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه در ایران رشد دستمزدها و درآمد خانوارهای حقوق‌بگیر (خانوارهای با درآمد ثابت) کمتر از نرخ تورم است، لذا قدرت خرید خانوارهایی که درآمد ثابت دارند، کاهش یافته و این امر فشار اقتصادی بر خانوارها را جهت حذف و یا کاهش مصرف کالاها و خدمات غیرضروری بیشتر می‌کند. چراکه با کاهش قدرت خرید و افزایش فشارهای اقتصادی، خانوارهای کم‌درآمد حتی در تأمین مایحتاج ضروری نیز با مشکل مواجه می‌شوند و از این رو، خانوارها تخصیص درآمد به کالاها خوراکی را در اولویت قرار می‌دهند. بنابراین، با کاهش قدرت خرید خانوارها، سهم هزینه‌های خوراکی به کل هزینه‌ها در بین خانوارها افزایش می‌یابد و این به منزله افزایش فقر است. به طوری که شواهد تجربی خانوارها طی سال‌های ۱۳۹۷ تاکنون در ایران مؤید این مطلب است.

منابع

منابع داخلی

- ابراهیمی، سعید، سید کمال صادقی، محمدباقر بهشتی و رضا رنج پور، (۱۳۹۷). بررسی اثر مخارج عمرانی دولت بر توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران: کاربرد مدل FAVAR. فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱۰(۴۰)، ۱۴۵-۱۷۲.
- بنی‌اسدی، مصطفی و حجت ورمزیاری، (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری نیروی کار کشاورزی: توزیع درآمد و فقر در مناطق روستایی ایران. روستا و توسعه، ۱۷(۴)، ۱-۲۳.
- پور طاهری، مهدی، حسین طالبی و عبدالرضا افتخاری (۱۳۹۰). تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر کاهش فقر روستایی با تأکید بر فقر غذایی: بخش خلیجستان استان قم. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۵(۲)، ۶۱-۸۰.
- پیش بهار، اسماعیل، شبنم باقر پور، و محمد قهرمان زاده، (۱۳۹۸). بررسی شاخص‌های فقر روستایی و عوامل مؤثر بر آن در ایران. اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، ۳۳(۱)، ۴۱-۵۴.
- تودارو، مایکل (۱۳۸۵). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی. چاپ چهاردهم. تهران: نشر کوهسار
- خداداد کاشی، فرهاد، فریده باقری،، خلیل حیدری و امید خداداد کاشی (۱۳۸۱)، اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران: کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر ۱۳۶۳-۱۳۷۹، طرح پژوهشی، پژوهشکده آمار.

خداداد کاشی، فرهاد و خلیل حیدری (۱۳۸۱)، اندازه‌گیری شاخص‌های فقر بر اساس عملکرد تغذیه‌ای در ایران، پژوهشنامه بازرگانی، ۹(۳)، ۲۳۱-۲۵۰.

جلایی، سید عبدالمجید و مصطفی گرگینی (۱۳۹۹). بررسی تأثیر تجارت خارجی بر توزیع درآمد بین هر یک از دهک‌های درآمدی روستایی ایران. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۸(۳۱)، ۷۷-۱۱۲.

جمینی، داود و امین دهقانی، (۱۴۰۲). تحلیل درآمد در مناطق روستایی ایران. روستا و توسعه پایدار فضا، ۴(۱)، ۱۰۱-۱۱۶. حاتم راد سامان، حقیقت جعفر، اصغر پور حسین، آدرنگی بهرام (۱۴۰۱). ارزیابی عوامل کلان مؤثر بر شاخص قیمت سهام: رویکرد میانگین‌گیری بیزین. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۱۰(۳۷): ۱۱۷۳.

حاتم راد، سامان، آدرنگی، بهرام، اصغر پور، حسین و حقیقت جعفر (۱۴۰۲). بررسی تأثیرگذاری عوامل کلان اقتصادی بر شاخص قیمت سهام بازار بورس ایران با استفاده از مدل‌های میانگین‌گیری، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۸(۹۵).

خالدی، کوهسار و زوار پرمه، (۱۳۸۴). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۳(۴۹)، ۵۷-۸۲. زروکی، شهریار، کریمی زهرا موغاری و سحر اعتمادی، (۱۳۹۹). تحلیل عوامل مؤثر بر احتمال فقر خانوار در ایران با تأکید بر نوع فعالیت. فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۹(۳۶)، ۸۹-۱۲۱.

زمانی شبخانه، صابر و نادر مهرگان، (۱۳۹۲). بررسی اثر شهرنشینی بر توزیع درآمد در ایران با تأکید بر نظریه کوزنتس. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۸(۳)، ۳-۱۹.

سردار شهرکی علی، سمیرا امیرزاده و احمد اکبری، (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران. اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۸(۲۸)، ۳۱-۴۴.

صادقی، حسین، مهدی باسزا و وحید شقاقی شهری، (۱۳۸۸). رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۲۷-۴۴.

صفری علی‌اکبری، مسعود. (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (موردپژوهشی: شهرستان کرمانشاه). برنامه‌ریزی فضایی، ۱۲(۴)، ۴۳-۶۴.

محمودی، سمیرا، سمیه جنگ چی کاشانی و مجید یاسوری، (۱۳۹۴). بررسی توزیع درآمد خانوارهای روستایی شهرستان ابهر و عوامل مؤثر بر آن. پژوهش‌های اقتصاد روستا، ۱۲(۳)، ۱۳-۳۱.

مشایخی، ساجده، همایون مراد نژادی، سمیره صی محمدی و علی‌اصغر میرک زاده، (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی (مورد مطالعه شهرستان کرمانشاه). علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۷(۱)، ۱۱۹-۱۳۲.

نگهداری، ابراهیم، خسرو پیرایی، غلامرضا کشاورز حداد و علی حقیقت (۱۳۹۳)، برآورد خط فقر مطلق و نسبی بر اساس رویکرد صرفه‌ناشی از مقیاس با مدل استون-گیری (مطالعه موردی خانوارهای شهری ایران، دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۹(۱)، ۳۰-۳.

منابع خارجی

- Abdul-Rahim, A. S. Sun, C. & Noraida, A. W. (2018). The impact of soil and water conservation on agricultural economic growth and rural poverty reduction in China. *Sustainability*, 10(12), 4444.
- Abro, Z. A. Alemu, B. A. & Hanjra, M. A. (2014). Policies for agricultural productivity growth and poverty reduction in rural Ethiopia. *World development*, 59, 461-474.
- Adigun, G. Awoyemi, T. & Omonona, B. T. (2011). Estimating economic growth and inequality elasticities of poverty in rural Nigeria. *Estimating Economic Growth and Inequality Elasticities of Poverty in Rural Nigeria*, 4(1), 25-35.
- Berisha, E. Gupta, R. & Meszaros, J. (2020). The impact of macroeconomic factors on income inequality: Evidence from the BRICS. *Economic modelling*, 91, 559-567.

- Chen, J. Wang, Y. Wen, J. Fang, F. & Song, M. (2016). The influences of aging population and economic growth on Chinese rural poverty. *Journal of Rural Studies*, 47, 665-676.
- Danilov, D. & Magnus, J. R. (2004). On the harm that ignoring pretesting can cause. *Journal of Econometrics*, 122(1), 27-46.
- Fernandez, C. E. Ley, and M. Steel (2001). Benchmark priors for Bayesian model averaging. *Journal of Econometrics* 100, 381-427.
- Garcia-Mora, F. & Mora-Rivera, J. (2023). Exploring the impacts of Internet access on poverty: A regional analysis of rural Mexico. *New media & society*, 25(1), 26-49.
- Gelaw, F. (2010). The dynamic relationship among poverty, inequality, and growth in rural Ethiopia: A micro evidence. *Journal of Development and Agricultural Economics*, 2(5), 197-208.
- Gelaw, F. & Sileshi, M. (2013). Impact of grain price hikes on poverty in rural Ethiopia. *African Journal of Agricultural and Resource Economics*, 8(2), 69-89.
- IFAD. (2012). Enabling the rural poor to overcome poverty. IFAD Annual Report, pp.1-30.
- Iradian, G. (2005). Inequality, Poverty and Growth: Cross Country Evidence. International Monetary Fund, IMF Working Paper, pp.1-39.
- Kass R. & A. Raftery. (1995). Bayes Factors, *Journal of the American Statistical Association*, 90(430): 773-795.
- Leamer, E. (1983). Let's take the con out of econometrics. *American Economic Review* 73, 31-43.
- Leamer, E. (1985). Sensitivity analyses would help. *American Economic Review* 75, 308-13.
- Leamer, E.E. (1978). *Specification Searches: Ad Hoc Inference with Nonexperimental Data*. New York: Wiley
- Nguyen, T. T. H. Nguyen, T. T. H. Nguyen, T. L. H. & Nguyen, V. C. (2020). The impact of international integration on the inequality of income between rural and urban areas in Vietnam. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 7(3), 277-287.
- Nielsen, F. & Alderson, A. S. (1997). The Kuznets curve and the great U-turn: income inequality in US counties, 1970 to 1990. *American Sociological Review*, 12-33.
- Okoye, L. U. Adetiloye, K. A. Erin, O. & Modebe, N. J. (2017). Financial inclusion as a strategy for enhanced economic growth and development. *Journal of Internet Banking and Commerce*, 22(S8).
- Raftery, A.E. (1995). Bayesian model selection in social research (with discussion). In Marsden, P.V. editor, *Sociological Methodology*, 111-195. Blackwells Publishers, Cambridge
- Roy, T. Hossain, M. E. Jalal, M. J. E. Saha, J. K. Sharmin, E. & Khan, M. A. (2021). Effects of credit on national and agricultural GDP, and poverty: a developing country perspective. *SN Business & Economics*, 1, 1-20.
- Zellner, A. (1986). On assessing prior distributions and Bayesian regression analysis with g-prior distributions. *Bayesian inference and decision techniques*.
- Zhu, N. & Luo, X. (2010). The impact of migration on rural poverty and inequality: a case study in China. *Agricultural Economics*, 41(2), 191-204.